

خیابان و عشق

[عاشقانه‌های مارگرت اتوود]

برگردان: سه‌نند آقایی و مینا جعفری ثابت



انتشارات سرزمین اهورایی

WWW.AHOORAPRESS.COM

سرمنسله: اتووود، مرگارت النور، ۱۹۲۹ - ج.

Anyood, Margaret Eleanor

عنوان : نوح پیدائش و خیلان و عشق ایثار گری و فناء : ترجمہ سہند اقبال : مینا حفیظ بیگم

متخصصات غیر تهرانی: امروز میں اہورایی، ۱۹۹۲

شخصیات ظاہری: ۱۸ سال

فروست شهر جولای: ۱۴

98A-20-4712-31-7-01

و صنعت فهرست نویسی، ابتدا

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره افزوده اقلیم، سید: ۱۳۶۴، م. م. ج. ۱

سَنَامَةُ أَقْرُونَهُ جَعَزِي ذُبْتُهِ مَيْدُهُ مَرَجَمُ

د. ه. بندي کنگر: ۱۳۹۳، ۸۹، ۲: ۵۵۲

۸۱۳/۵۴: ۵۴

شماره کتابشناسی: ۳۵۹۳۲۴

	عاشقانه های مارگرت ات-ووود		خیابان و عشق	
	سهند آقایی، مینا جعفری ثابت			
شعر جهان	۱۱۰۰ جلد		۱۱۰۰ جلد	
خدمات فنی	چهارده		مدیر هنری و طراح گرافیک	
کانون تبلیغاتی اهورا	قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال		چاپ جلد مجتمع چاپ و صفحه پهناب	
انتشارات سرزمین اهورایی	دفتر مرکزی: ۲۲۸۶۶۵۸۹		پخش: ۲۲۸۶۶۵۸۸	
	۲۲۸۶۶۵۸۸		کتابفروشی اهورا: ۲۲۸۶۶۵۸۹	
	WWW.AHOORAPRESS.COM		INFO@AHOORAPRESS.COM	
	چاپ: نویت چاپ		چاپ: نویت چاپ	

فهرست:

۷	یادداشت
۹	و ما پس از سیل
۱۲	خواب
۱۴	هست، نیست
۱۶	بیشتر و بیشتر
۱۸	توشه
۱۹	منزل
۲۰	بیشادوزیستی
۲۳	تصاحب خاک
۲۵	تک خوانی پرده با گاوچران
۲۷	جزیره‌ها
۲۹	خفتگان زمستان
۳۱	خیابان و عشق
۳۴	دوربین
۳۷	صبحانه در سرای سوخته
۴۰	قلاب
۴۲	و این هم عکسی از من است
۴۴	وعده‌ای غذایی
۴۷	هجی کردن
۵۰	لحظه
۵۲	من و تو
۵۳	صدای سایه
۵۵	آغاز می‌کنی

مارگرت اتوود، قلم به دست معاصرِ کانادایی، متولد ۱۸ نوامبر ۱۹۳۹ از پس یک عمر نویسندگی، شاعری، مقاله‌نویسی، استادی دانشگاه و فعالیت‌های گوناگون اجتماعی، چنان به رمان‌نویسی شهره است که آثارِ دیگرش حتّا آثارِ کوتاه داستانی‌اش، یا در اینجا به مقتضای کتابی که می‌خوانید، شعرهایش، در سایه رمان‌هایش روشنایی یافته است و این سرنوشتی ست خوش که با ترجمه چند رمان از او به فارسی نیز، شبح‌وار و از پس کوه‌ها و دریاها، همراه گشته است و اکنون، پس از انتشار این شعرها که نخستین روایت اشعار او به فارسی ست، رخ نموده است.

حکایت بلند بالای آثار و جوایز رمان‌نویس شاعری که نامش بر این کتاب نشسته است، و نیز حکایت بلند زبان‌هایی که راویان آثارش بوده‌اند، و نیز حکایت سال به سال زندگی‌اش که چه‌ها کرده، می‌کند یا بخواهد کرد، به هیچ روی، دخلی به شعرهای گزیده این کتاب ندارد و همین مختصر که اشاره‌وار بگفتم، کفایت است و آنچه در این مقام مهم است، شعرهای اوست که خود بگویند حکایت خویش.

و اما دو ماه پیش، مجموعه‌ای از شعرهای او به دستمان رسید، و دانستیم - ما مترجمان - که انگار کلمات شاعر در فارسی نیز، ای بَدک نمی‌نشیند و همین مرا بس بود که دست ترجمانی خویش را از آستین شاعری بیرون بیاورم، و در کوران کارهای ناتمام، همراه با رفیقِ همراه و شعرشناسم، مینا، به روایت شاعری ترجمه ناشده بنشینم. باری، خشک‌وخالی کمرشکن است، این‌ها را گفتم که مثل همیشه فتح باب این گپ‌زدن‌ها، رفاقت‌مان را سقایی کند، که «طری می‌چکد از پای لیلی»، و لیلی یعنی هرآنچه دوست می‌داری، و آنچه من دوست می‌دارم، سخن گفتن است با شما. سرتان را درد نیاورم. والسلام.

سهند آقایی

زمستان ۹۲